

مجله دانش حسابداری / سال دوم / شماره ۶ / پاییز ۱۳۹۰ / صفحات ۴۳ تا ۶۳

بررسی رابطه بین مالکیت اصلی و محافظه کاری در سود

دکتر علی رحمانی*

حجت اله فرزانی**

هیوا رستگار مقدم***

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۴

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱

چکیده

این تحقیق به بررسی اثر ساختار مالکیت بر محافظه کاری در سود پرداخته است. میزان استفاده از روشهای محافظه کارانه برای شناسایی بموقع زیان و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به دو موضوع بستگی دارد: ۱- میزان سهام سهامدار کنترل کننده، ۲- انحراف بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد^۱ آنها. در این مقاله از الگوی بسط یافته باسو^۲ (۱۹۹۷) برای تجزیه و تحلیل موضوع و ۵۶ شرکت حایز شرایط برای دوره زمانی ۸۷-۱۳۸۳ استفاده شد. به طور کلی نتایج تحقیق بیانگر رابطه منفی بین میزان مالکیت سهامدار کنترل کننده و سطح محافظه کاری در سود است. این نتیجه با کاهش سطح قراردادهای برون سازمانی سازگار است. به علاوه، بین این انحراف با محافظه کاری در سود رابطه منفی به دست آمد. زمانی که این تفاوت افزایش می یابد، شرکت با هزینه های زیادتر قراردادهای برون سازمانی روبه رو می شود.

واژه های کلیدی: ساختار مالکیت در سرمایه، حقوق جریان وجوه نقد، محافظه کاری

* استادیار حسابداری دانشگاه الزهراء(س)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اقتصادی

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده علوم اقتصادی

نویسنده مسئول مقاله: علی رحمانی (Email: rahmani.ali@gmail.com)

مقدمه

یکی از موضوعات مهمی که همواره توجه اقتصاد، مالیه و حسابداری را به خود جلب می‌کند، بحث تضاد منافع بین مدیران و سهامداران است. برای رفع این تضاد راه‌حلهای مختلفی پیشنهاد شده است. از بین این موارد می‌توان به روشهای حسابداری محافظه‌کارانه و شناسایی بموقع زیان اشاره کرد. عوامل متعددی بر شناسایی بموقع زیان اثرگذار است. به منظور رویارویی با مسئله نمایندگی، شناسایی بموقع زیان به عنوان یکی از راه‌های کاهش این معضل معرفی شده است به طوری که مدیرانی که زیان را به جای اینکه به دوره‌های آینده منتقل کنند در زمان وقوع شناسایی می‌کنند برای اجرای پروژه‌ها با خالص ارزش فعلی منفی تمایل کمتری دارند (واتز^۳، ۲۰۰۳؛ بال و شیواکومار^۴، ۲۰۰۵؛ باشمن و همکاران^۵، ۲۰۰۶). اما در مقابل، اعمال محافظه‌کاری در سود باعث افزایش سودمندی صورتهای مالی بویژه در قراردادهای می‌شود (سانچز و همکاران^۶، ۲۰۰۹). از این رو هدف اصلی تحقیق این است که رابطه بین ساختار مالکیت واحدهای تجاری و شناسایی بموقع زیان را بررسی کند. مسئله تحقیق این است که: «آیا میزان استفاده واحدهای تجاری که سهامدار کنترل‌کننده دارند از شناسایی بموقع زیان برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به ۱. میزان سهام سهامدار کنترل‌کننده و ۲. انحراف بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل‌کننده بستگی دارد؟»

از این رو سؤالات تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شود:

آیا هر چه سهام شرکت در دست سهامداران کنترل‌کننده بیشتر باشد، سطح محافظه‌کاری در سود کمتر خواهد بود؟

آیا هر چه انحراف بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل‌کننده بیشتر باشد، سطح محافظه‌کاری در سود پایینتر خواهد بود؟

در ادامه مقاله مبانی نظری و پیشینه تحقیقات مرتبط در داخل و خارج از ایران و هم-چنین فرضیات برگرفته از مسئله و مبانی نظری بیان می‌شود. روش تحقیق مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها شرح و نتایج آزمون فرضیات مطرح می‌شود و در پایان با توجه به

نتایج، مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، نتیجه گیری صورت می گیرد و با ذکر محدودیتها و پیشنهادها به سرانجام می رسد.

مبانی نظری تحقیق

تمام واحدهای تجاری ممکن است برای کاهش نمایندگی به شناسایی بموقع زیان تمایل نداشته باشند. لافوند و رویچودهری^۷ (۲۰۰۸) نشان دادند که واحدهای تجاری با مالکیت مدیریتی کمتر سود محافظه کارانه بیشتری گزارش می کنند که این موضوع با تقاضای سهامداران برای کاهش نمایندگی مطابقت دارد.

پژوهشهای بسیاری (پیک و همکاران^۸، ۲۰۰۹؛ بال و شیواکومار، ۲۰۰۵؛ لافوند^۹، ۲۰۰۵؛ دارگنیدو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۷) نشان می دهد که تمرکز مدیریت احتمال رفع عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران را از طریق کانالهای ارتباطی خصوصی به جای افشای عمومی افزایش می دهد. که این موضوع باعث کاهش تقاضا برای محافظه کاری در سود در راستای اهداف نظارتی می شود.

این مسئله با بررسی اثر ساختار مالکیت بر محافظه کاری در سود به این موضوع می پردازد که آیا میزان استفاده واحدهای تجاری از شناسایی بموقع زیان برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به دو موضوع میزان سهام سهامدار کنترل کننده و انحراف بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهام دار کنترل کننده بستگی دارد به طوری که هر چه میزان مالکیت سهامدار کنترل کننده بیشتر شود، انگیزه مدیریت برای ارائه اطلاعات به سهامدار اصلی افزایش یابد؛ زیرا بخش اعظم سرمایه واحد تجاری توسط آن سهامدار تأمین شده است. بنابراین عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران به جای استفاده از محافظه کاری از طریق کانالهای ارتباطی خصوصی رفع می شود. در نتیجه، نقش نظارتی محافظه کاری در سود، ارتباط منفی بین میزان مالکیت سهامدار کنترل کننده و محافظه کاری در سود را پیش بینی می کند.

در مورد انحراف بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل کننده، باید توجه کرد که افزایش این انحراف و تفاوت باعث افزایش نگرانی سهامدار کنترل کننده در

خصوصاً کاهش تسلط وی می‌شود. به منظور رویارویی با این مشکل، سهامدار کنترل‌کننده برای تأمین مالی پروژه‌ها بیشتر بر منابع داخلی واحد تجاری اتکا می‌کند. بدین ترتیب، استفاده بیشتر از منابع داخلی، انگیزه مدیریت را برای ارائه اطلاعات به سهامدار کنترل‌کننده افزایش می‌دهد. بنابراین نقش نظارتی محافظه‌کاری در سود رابطه منفی را بین انحراف حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل‌کننده با محافظه‌کاری در سود پیش‌بینی می‌کند (سانچز و همکاران، ۲۰۰۹).

واتز بیان کرده است که تقاضا برای حسابداری محافظه‌کارانه از نقش قراردادی حسابداری نشأت می‌گیرد (واتز، ۲۰۰۳). دو ویژگی مهم حسابداری محافظه‌کارانه، عدم تقارن زمانی در شناسایی سودها در مقابل زیانهای حسابداری و هم‌چنین کم‌نمایی خالص داراییها است (روی چودهری و واتز^{۱۱}، ۲۰۰۷). این دو ویژگی این مطلب را می‌رساند که شناسایی سودها و داراییها در مقابل زیانها و بدهیها نیازمند استفاده از درجات زیادتر امکان اتکا است (واتز، ۲۰۰۳).

با توجه به مبانی نظری، تحقیقات مطرح شده و پیش‌بینیهای صورت گرفته، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: هر چه سهام شرکت در دست مالکان کنترل‌کننده بیشتر باشد، سطح محافظه‌کاری در سود کمتر خواهد بود.

فرضیه دوم: هر چه انحراف بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل‌کننده بیشتر باشد، سطح محافظه‌کاری در سود پایتتر خواهد بود.

پیشینه تحقیق

باسو (۱۹۹۷) اعتقاد دارد که برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری باید بر این موضوع تمرکز کرد که چگونه درآمد اقتصادی، که توسط بازده بازار اندازه‌گیری می‌شود به صورت نامتقارن با درآمدهای حسابداری در ارتباط است. او هم‌چنین پی برد که دعوای حقوقی بر میزان محافظه‌کاری تأثیر می‌گذارد.

از آنجا که هزینه‌های نمایندگی از دیدگاه قرارداد بدهی و پاداش، توسط اطلاعات محرمانه مدیریت ایجاد می‌شود، لافوند و واتز^{۱۲} (۲۰۰۸) شواهدی یافتند که نشان می‌دهد میزان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران درون و برون سازمانی با میزان محافظه‌کاری ارتباط مستقیمی دارد و هم‌چنین عدم تقارن اطلاعاتی به محافظه‌کاری منجر می‌شود. محافظه‌کاری انگیزه و توانایی مدیریت را در دستکاری صورتهای مالی کاهش می‌دهد و در نتیجه موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. لافوند و واتز دلایلی ارائه کردند که بیان می‌کند چرا محافظه‌کاری بسرعت به تغییرات در عدم تقارن اطلاعاتی واکنش نشان می‌دهد (در همان سال یا سال بعد). هم‌چنین آنها بیان کردند که عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون و برون سازمانی نه تنها باعث ایجاد هزینه‌های نمایندگی می‌شود که جریان وجه نقد آینده واحد تجاری را کاهش می‌دهد، بلکه باعث افزایش نرخ مورد انتظار بازده سهام می‌شود (لافوند و واتز، ۲۰۰۸).

موهاو و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۹)، رابطه بین پراکندگی حقوق جریان وجوه نقد سهامداران کنترل‌کننده را با محافظه‌کاری در حسابداری بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که پراکندگی حقوق جریان وجوه نقد میان چندین سهامدار عمده با محافظه‌کاری در حسابداری رابطه‌ای مثبت دارد. سانچز و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی رابطه بین شناسایی بموقع زیان و ساختار مالکیت اصلی به این نتیجه رسیدند که با افزایش مالکیت سهامدار اصلی، میزان تأمین مالی سهامداران اقلیت کاهش می‌یابد و از آنجا که سهامداران اقلیت به اطلاعات خصوصی و داخلی شرکت دسترسی ندارند برای محافظت از حقوق خود در مجامع و محافل حرفه‌ای خواستار شناسایی بموقع زیان هستند. با کاهش نقش سهامدار اقلیت، تقاضا برای شناسایی بموقع زیان کاهش می‌یابد.

رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار پرداختند. بررسی آنها در مورد ۸۱ شرکت بورس در دوره زمانی ۸۵-۱۳۸۱ نشان داد که تغییر عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران موجب تغییر در سطح محافظه‌کاری می‌شود به عبارتی به دنبال افزایش

عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، تقاضا به اعمال محافظه‌کاری در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

مهرانی و همکاران (۱۳۸۸)، با بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران و با این تفسیر که محافظه‌کاری در حسابداری، عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار خوب در مقابل اخبار بد است، به این نتایج رسیدند که سود حسابداری نسبت به بازده منفی سهام از بازده مثبت سهام است حساستر و عدم تقارن زمانی در سود حسابداری توسط ارقام تعهدی توضیح داده می‌شود. کردستانی و امیر بیگی (۱۳۸۷) نیز با تعریف محافظه‌کاری به عنوان تمایل حسابداران به منظور نیاز به درجه بیشتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در سود نسبت به اخبار بد به بررسی عدم تقارن زمانی سود و رابطه آن با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام به عنوان معیاری از محافظه‌کاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین این دو معیار رابطه منفی و معنی‌داری هست.

رحمانی و غلامزاده (۱۳۸۸)، با هدف ترسیم تأثیر مالکیت عمومی سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران بر میزان محافظه‌کاری شرکتها به بررسی تفاوت محافظه‌کاری در گزارشگری مالی ۴۰ شرکت در دو مقطع قبل و بعد از درج نام آنها در فهرست نرخهای بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۸۷-۱۳۸۱ پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکتها پس از درج نام آنها در فهرست نرخهای بورس کاهش می‌یابد.

قائمی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود پرداختند و اظهار کردند که در پیش گرفتن روشهای محافظه‌کارانه توسط شرکتها به تطابق نادرست درآمدها و هزینه‌ها منجر می‌شود و به این نتیجه رسیدند که پایداری سود در شرکتهایی که سود محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کنند، کمتر است و هم‌چنین نسبت قیمت به سود چنین شرکتهایی کمتر است.

مرادزاده و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام به عنوان ساختار داخلی نظام راهبری و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران پرداختند. آنها با بررسی تأثیر عامل مالکیت نهادی سهام و کنترل مالکیت مدیریتی در توانایی مدیران برای مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که بین سطح مالکیت نهادی سهام و تمرکز آن با مدیریت سود رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد.

نصرالهی و عارف‌منش (۱۳۸۹)، نیز رابطه مالکیت و کیفیت سود شرکتهای را بررسی، و کردند. در این تحقیق از متغیرهای سرمایه‌گذاران نهادی، تمرکز مالکیت و مالکیت مدیران به عنوان شاخص مالکیت استفاده کردند و دریافتند که با افزایش هر یک از شاخصهای مالکیت، کیفیت سود بهبود می‌یابد (نصرالهی و عارف‌منش، ۱۳۸۹).

روش تحقیق

این تحقیق از نوع همبستگی با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی یعنی با استفاده از اطلاعات گذشته است. داده‌های واقعی شرکتهای به صورت پانل داده و سال-شرکت مورد بررسی قرار گرفت. این کار به کمک الگوهای رگرسیون انجام گرفت.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق را تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. برای تعیین نمونه مورد مطالعه، شرکتهایی از جامعه آماری یاد شده انتخاب شده است که:

۱. پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفندماه، و تغییر سال مالی نداشته باشد.
 ۲. از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ در بورس حضور داشته باشند.
 ۳. اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.
 ۴. شرکت دارای مالک اصلی (مطابق با تعریف عملیاتی) باشد (سانچز و همکاران، ۲۰۰۹).
- با در نظر گرفتن این شرایط ۵۶ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند.

جمع‌آوری و پردازش داده‌ها

از آنجا که روش تحقیق به صورت میدانی بوده است و با داده‌های واقعی شرکتها سر و کار دارد، فراهم کردن اطلاعات شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، که با عنایت به متغیرهای تحقیق مربوط به صورتهای مالی شرکتها می‌شود از منابع مختلفی از جمله لوحهای فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار تدبیر پرداز، سایت اطلاع‌رسانی شرکت بورس و سازمان بورس استفاده شده است.

روشهای تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های تحقیق

بسیاری از مطالعات که رابطه بین ساختار مالکیت و ویژگیهای سود حسابداری را بررسی کردند بر مالکیت مستقیم (بدون واسطه)^{۱۴}، که مالکیت سهامداران نهادی (بزرگترین سهامداران^{۱۵}) و مالکیت مدیریتی است، تمرکز کرده‌اند که شاخصی برای وجود سهامدار کنترل کننده است (برای نمونه، جانگک و کوان^{۱۶}، ۲۰۰۲؛ چالمرز و گادفری^{۱۷}، ۲۰۰۴؛ لافوند، ۲۰۰۵؛ لافوند و روی چودهری، ۲۰۰۸). در این مقاله بر ساختارهای مالکیت پیچیده و هرمی تمرکز شده است. تجزیه و تحلیل براساس مالکیت بدون واسطه، ساختار کنترل را به درستی نشان نمی‌دهد. در این مطالعه از الگوی لاپورتا و همکاران^{۱۸} (۱۹۹۹) و روش شناسی زنجیره کنترل سانچز و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شده است به طوری که به شناخت سهامدار اصلی شرکت (سهامداری که به طور مؤثر شرکت را کنترل می‌کند) کمک می‌کند.

روش شناسی زنجیره کنترل شامل طبقه‌بندی شرکتهای نمونه به دو گروه اصلی شرکتهای با مالکیت پراکنده و شرکتهای با مالکیت اصلی است (سانچز و همکاران، ۲۰۰۹). بر اساس الگوی لاپورتا و همکاران (۱۹۹۹)، شرکتی دارنده مالک اصلی در نظر گرفته می‌شود که سهامدار عمده، مستقیم یا غیرمستقیم، مالک سهامداری حق رأی به میزان بیشتر یا مساوی با مرز کنترل باشد؛ برای مثال، اگر سهامدار ۱ سهامدار عمده شرکت الف باشد با ۲۶٪ از سهامداری حق رأی و همین‌طور شرکت الف سهامدار عمده شرکت

باشد با ۳۲٪ از سهامدارای حق رأی، در این حالت می‌توان گفت که شرکت ب توسط سهام‌دار ۱ با سطح کنترلی برابر با ۲۶٪ (ضعیفترین ارتباط در زنجیره کنترل اقل (۰.۳۲)؛ ۰.۲۶) کنترل می‌شود. در این حالت مالک اصلی شرکت ب به طور غیرمستقیم به واسطه شرکت الف اعمال کنترل می‌کند. قابل ذکر است که سهامدار ۱ تنها ۸.۳۲٪ از حقوق جریان وجوه نقد شرکت ب را، که در طول زنجیره (۰.۳۲ * ۰.۲۶) است. زمانی که مالک اصلی به طور غیرمستقیم شرکتی را به واسطه کنترل ناقص (نه صد در صدی) شرکت واسطه، کنترل می‌کند، ساختاری هر می ایجاد شده است. همان‌گونه که از مثال مشخص است استفاده از این ساختار بر تفاوت بین حق رأی و حقوق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل‌کننده دلالت می‌کند. از این رو این روش، شناخت سهم مالک اصلی را بر حسب حق رأی و حق جریان وجوه نقد نتیجه می‌دهد. این تمایز تا زمانی معنادار است که حقوق جریان وجوه نقد، میزان حقوق اقتصادی سهامدار، حق رأی و میزان کنترل سهامدار را در مهمترین تصمیمات شرکت همچون تصمیمات مرتبط با مدیران، تحصیل واحدهای دیگر، انتخاب هیئت مدیره و یا انتخاب مدیران ارشد، اندازه‌گیری می‌کند.

از آنجا که در استانداردهای حسابداری ایران مرز کنترل به صورت کمی بیان نشده است برای به کارگیری این روش شناسی یعنی تعیین سطح حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار اصلی، اطلاعات سهامداران مستقیم و غیرمستقیم با بیش از ۵٪ سهام در جریان از بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شد. این اطلاعات برای به دست آوردن زنجیره کنترل برای هر سال - شرکت مورد مطالعه ضروری است، برخلاف مطالعات گذشته (برای نمونه، فن و انگ^{۱۹}، ۲۰۰۲؛ هاو و همکاران^{۲۰}، ۲۰۰۴) و همانند تحقیق سانچز و همکاران (۲۰۰۹) در این مطالعه فرض نشده است که مالک اصلی شرکت در طی زمان ثابت می‌ماند.

اندازه‌گیری اثر مالک اصلی بر محافظه‌کاری در سود

در این مقاله از الگوی رگرسیون بسط یافته باسو (۱۹۹۷) برای تجزیه و تحلیل اثر سهام مالک اصلی و انحراف بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار اصلی بر سرعت تفاضلی شناخت خبرهای بد در مقابل خبرهای خوب به سود حسابداری، استفاده شده است. باسو الگویی را مطرح کرده است که در آن سود به عنوان متغیر وابسته و بازده‌های مثبت و منفی به عنوان شاخصی برای علامت خبرها متغیرهای مستقل است:

معادله ۱:

$$EAR_{it} = \alpha_0 + \beta_1 RET_{it} + \beta_2 D_{it} + \beta_3 D_{it} * RET_{it} + \mu_{it}$$

به طوری که:

EAR_{it} : سود هر سهم شرکت i برای سال مالی t هم مقیاس شده با قیمت پایان سال قبل؛

RET_{it} : نرخ بازده شرکت i برای سال مالی t : $(Pt - Pt-1) / Pt-1$ ؛ و

D_{it} : متغیر مجازی که اگر نرخ بازده شرکت i برای سال مالی t منفی باشد، مقدار ۱ و در

غیر این صورت مقدار صفر قرار می‌گیرد^۱

در این الگو β_1 حساسیت سود را نسبت به خبرهای خوب اندازه‌گیری می‌کند و این در حالی است که حساسیت سود نسبت به خبرهای بد از ترکیب β_1 و β_3 بدست می‌آید. بنابراین، عکس‌العمل تفاضلی سود به خبرهای بد از واکنش $D_{it} * RET_{it}$ (β_3) بدست می‌آید. در این مقاله این ضریب، معیار سود محافظه‌کارانه^۲ است. انتظار این است که β_3 مثبت شود زمانی که بر اساس محافظه‌کاری حسابداری، سود حساسیت بیشتری به خبرهای بد نسبت به خبرهای خوب داشته باشد.

بر اساس این مطالب، الگوی باسو (۱۹۹۷) توسعه می‌یابد تا این متغیرها را در برگیرد:

متغیر CFR_{it} ، سطح حقوق جریان وجوه نقد در دست سهامدار اصلی و متغیر CV_{it} ،

۱- باسو [۹] فرض کرد که بازده مثبت به طور کلی افزایش در خالص داراییها یا سود را نشان می‌دهد در حالی که بازده منفی کاهش در خالص داراییها یا زیان را نشان می‌دهد.

۲- پیش‌بینی باسو این است که زمانی که بازده و سود تمایل به انعکاس کاهش در خالص داراییها را در دوره مشابه دارد، بازده مثبت (که شاخص خبرهای خوب به بازار سرمایه) به سود منجر می‌شود.

تفاوت حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار اصلی که از تقسیم میزان حق جریان وجوه نقد به حق رأی محاسبه می‌شود. با تعریف این نسبت، CV_{it} رابطه‌ای معکوس با تفاوت بین حق رأی سهامدار کنترل کننده و حق جریان وجوه نقد خواهد داشت. همچنین برای کنترل سایر متغیرها که به طور بالقوه می‌تواند بر محافظه کاری در سود اثر بگذارد از متغیر اهرم (LEV_{it})، که از تقسیم کل بدهی به کل داراییها در پایان سال مالی به دست می‌آید و متغیر اندازه ($SIZE_{it}$) که لگاریتم متوسط مجموع داراییهای شرکت i برای دوره t است، استفاده شده است. بنابراین در این تحقیق از الگوی زیر استفاده شد:

$$EAR_{it} = \alpha_0 + \beta_1 RET_{it} + \beta_2 D_{it} + \beta_3 D_{it} * RET_{it} + \beta_4 CFR_{it} + \beta_5 RET_{it} * CFR_{it} + \beta_6 D_{it} * CFR_{it} + \beta_7 D_{it} * RET_{it} * CFR_{it} + \beta_8 CV_{it} + \beta_9 RET_{it} * CV_{it} + \beta_{10} D_{it} * CV_{it} + \beta_{11} D_{it} * RET_{it} * CV_{it} + \beta_h \text{Control Variables}_{it} + \beta_j RET_{it} * \text{Control Variables}_{it} + \beta_l D_{it} * \text{Control Variables}_{it} + \beta_m D_{it} * RET_{it} * \text{Control Variables}_{it} + \mu_{it}$$

یافته‌های پژوهش

قبل از بیان نتایج آزمون فرضیه‌ها، مفروضات رگرسیون بررسی شد و آزمونهای نرمال بودن خطاها، مناسب بودن الگوی خطی و نداشتن نقاط نامربوط، عدم خود همبستگی داده‌ها، و همسانی واریانسها انجام گرفت که نتایج آنها تأیید کننده مفروضات رگرسیون است.

جدول شماره (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

تابلو الف) کل مشاهدات ۲۸۰ سال - شرکت				
متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم
نرخ بازده	-۰.۱۱۱۶	-۰.۱۵۴۹	۳.۹۳۶۸	-۰.۸۷۵۷
مجازی	۰.۷۵۰۰	۱	۱	۰
سطح حقوق جریان وجه نقد	۶.۹۱۵۴	۳.۵۷۴۱	۴۰.۴۹۶۲	۰.۳۰۴۳
تفاوت حق رأی و حق جریان وجه نقد	۰.۳۴۶۲	۰.۲۵۸۰	۰.۹۲۶۵	۰.۰۵۹۲
اهرم	۰.۷۲۱۰	۰.۶۹۴۹	۳.۳۴۰۲	۰.۰۶۱۹
اندازه	۵.۶۵۷۳	۵.۶۴۰۹	۸.۰۵۲۶	۴.۴۶۷۵

تابلو ب) اخبار خوب در مقابل اخبار بد				
متغیر	اخبار خوب (۷۰ مشاهده)		اخبار بد (۲۱۰ مشاهده)	
	میانگین	میانه	میانگین	میانه
سود هر سهم	۰.۱۵۰۴	۰.۱۸۸۰	۰.۱۰۲۸	۰.۱۲۷۶
سطح حقوق جریان وجه نقد	۷.۷۷۹۰	۳.۹۳۹۳	۶.۶۲۷۶	۳.۵۲۰۳
تفاوت حقوق	۰.۳۵۵۲	۰.۲۴۳۸	۰.۳۴۳۲	۰.۲۶۰۱
اهرم	۰.۷۴۰۶	۰.۷۱۰۳	۰.۷۱۴۵	۰.۶۸۹۱
اندازه	۵.۶۴۸۸	۵.۶۷۵۱	۵.۶۶۰۱	۵.۶۲۹۱

پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیات، آماره‌های توصیفی هر یک از متغیرهای تحقیق محاسبه شد که این آماره‌ها در جدول شماره (۱) ارائه شده است. جدول شماره (۱)، آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. در قسمت الف، کل مشاهدات ۲۸۰ سال - شرکت است؛ در قسمت ب، مشاهدات بر مبنای بازده سهام به دو گروه تفکیک شده است. ۷۰ مشاهده دارای بازده مثبت سهام (اخبار خوب) و ۲۱۰ مشاهده دارای بازده منفی سهام (اخبار بد) به عبارتی ۲۵٪ از مشاهدات نمونه دارای اخبار خوب و ۷۵٪ دارای اخبار بد است. نکته قابل ذکر از این جدول بیشتر بودن میانگین و میانه متغیرهای مشاهدات اخبار خوب نسبت به مشاهدات اخبار بد است.

در پی آزمون فرضیه‌های تحقیق، صحت الگوی رگرسیون تحقیق در مورد خطی بودن روابط بین متغیرها و استقلال مشاهدات با استفاده از آزمونهای فیشر و دورین واتسون برای الگوهای کاهش یافته و کامل تأیید شده است؛ همان‌گونه که در جدول شماره (۲) آمده است، آزمون F در سطح اطمینان بیشتر از ۹۵٪ معنی‌دار و آماره دورین واتسون بین ۲/۵- ۱/۵ بوده است. همچنین متغیرهای کنترل برای بیشتر الگوهای رگرسیونی آزمون‌کننده فرضیه‌های تحقیق معنادار به دست آمده است که به معنای کنترل تأثیرات این عوامل بر محافظه‌کاری در سود می‌باشد. R^2 تعدیل شده برای الگوی کامل ۴۸.۴٪ به دست آمده که نشان‌دهنده توان توضیح تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل انتخابی است و این مقدار همچنین برای مدل‌های کاهش یافته ۱ و ۲ به ترتیب ۴۴.۱٪ و ۴۴٪ شده است که نشانگر توان توضیحی متغیر مستقل سطح حقوق جریان وجوه نقد در دست سهامدار اصلی و متغیر مستقل تفاوت حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار اصلی نسبت به تغییرات متغیر وابسته به طور جداگانه برای هر یک از الگوها است.

نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

در جدول شماره (۲)، حساسیت سود به اخبار بد با در نظر گرفتن مالکیت سهامدار کنترل‌کننده و تفاوت حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل‌کننده، تجزیه و تحلیل شده است. همان‌گونه که پیش‌بینی شد، ضریب β_3 ($D_{it} * RET_{it}$) در هر سه الگو مثبت و به لحاظ آماری در الگوهای کاهش یافته، معنی‌دار است، که این علامت حساسیت زیاده‌تر سود را به اخبار بد در مقایسه با اخبار خوب در سطح اطمینان بیشتر از ۹۵٪ تأیید می‌کند.

ضریب β_7 ($D * RET * CFR$) که شناسایی بموقع اخبار بد را بسته به میزان سهام مالک کنترل‌کننده اندازه‌گیری می‌کند در هر دو الگو کاهش یافته و کامل به ترتیب ۰.۱۶۴- و ۰.۳۶۸-؛ منفی و با توجه به آماره t در هر دو الگو (۲.۶۵۳- و ۱.۷۸۱-) در سطح اطمینان بیشتر از ۹۵٪ معنی‌دار است، بنابراین می‌توان اینگونه برداشت کرد که هر چه میزان سهام سهامدار کنترل‌کننده بیشتر باشد، سطح محافظه‌کاری در سود مطابق با فرضیه اول کمتر

خواهد بود. این نتایج با توضیحات قرارداد برون سازمانی و اهداف نظارتی در مورد محافظه‌کاری در سود پیشگفته هم‌راستا است.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق (الگوی کامل)

متغیر	ضریب متغیر	آماره t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۰.۰۲۴	۰.۱۰۷	۰.۹۱۶
بازده	۱.۰۶۱	۲.۷۹۹	۰.۰۰۶
متغیر مجازی	۰.۲۰۲	۲.۶۳۲	۰.۰۰۸
مجازی در بازده	۲.۵۷۷	۱.۳۵۵	۰.۱۷۸
سطح حقوق جریان وجه نقد	-۰.۱۲۵	-۲.۲۹۹	۰.۰۲۷
بازده در سطح حقوق	-۰.۳۲۸	-۲.۴۸	۰.۰۱۸
مجازی در سطح حقوق	-۰.۱۱۵	-۲.۰۳۹	۰.۰۴۸
بازده در مجازی در سطح	-۰.۳۶۸	-۲.۶۵۳	۰.۰۱۱
تفاوت حق رای و حق جریان وجه نقد	۵.۳۳۳	۲.۳۶۸	۰.۰۲۳
بازده در تفاوت	۱۳.۷۷۶	۲.۵۱۲	۰.۰۱۶
مجازی در تفاوت	۵.۰۵۰	۲.۲۴۰	۰.۰۳۱
بازده در مجازی در تفاوت	۱۴.۴۸۳	۲.۵۹۴	۰.۰۱۳
متغیر اهرم	-۰.۷۹۵	-۴.۷۰۷	۰.۰۰۰
بازده در اهرم	۲.۵۶	۱.۹۷۱	۰.۰۵۶
مجازی در اهرم	۰.۲۵۸	۰.۹۱۷	۰.۳۶۵
بازده در مجازی در اهرم	-۲.۹۹۱	-۲.۰۹۰	۰.۰۴۳
متغیر اندازه	۰.۰۸۴	۲.۰۷۸	۰.۰۴۰
بازده در اندازه	-۰.۲۰۵	-۲.۳۲۳	۰.۰۲۲
مجازی در اندازه	۰.۰۴۱	۱.۳۶۹	۰.۱۷۴
بازده در مجازی در اندازه	۰.۳۶۶	۳.۶۶۲	۰.۰۰۰
R^2 تعدیل شده: ۰.۴۸۴		آماره F: ۱۴.۷۵۶	
آماره دوربین واتسون: ۱.۹۷۵		سطح معنی‌داری: ۰.۰۰۰	

جدول شماره (۲) ادامه: نتایج آزمون فرضیات تحقیق (الگوی کاهش یافته)

الگوی کاهش یافته (۲)			الگوی کاهش یافته (۱)			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضریب	سطح معناداری	آماره t	ضریب	
۰.۰۰۰	۴.۶۳۶	۰.۷۱۷	۰.۰۰۱	۳.۶۸۰	۰.۶۶۱	مقدار ثابت
۰.۰۰۶	۲.۷۹۹	۱.۰۶۱	۰.۱۷۴	۱.۳۸۳	۰.۹۴۱	بازده
۰.۰۶۶	۱.۸۸۲	۰.۲۶۷	۰.۱۹۰	۱.۳۲۹	۰.۸۵۴	متغیر مجازی
۰.۰۰۰	۴.۰۲۶	۲.۰۲۷	۰.۰۸۵	۱.۷۶۲	۱.۴۵۵	مجازی در بازده
-	-	-	۰.۰۸۵	-۱.۷۷۱	-۰.۱۴۲	سطح حقوق جریان وجه نقد
-	-	-	۰.۰۹۷	۱.۶۷۵	۰.۱۴	بازده در سطح حقوق
-	-	-	۰.۰۳۰	-۲.۲۶۶	-۰.۴۰۷	مجازی در سطح حقوق
-	-	-	۰.۰۷۸	-۱.۷۸۱	-۰.۱۶۴	بازده در مجازی در سطح تفاوت حق رأی و حق جریان وجه نقد
۰.۰۷۵	۱.۸۳۵	۶.۰۱۱	-	-	-	بازده در تفاوت
۰.۰۸۰	۱.۷۷۱	۵.۲۵۳	-	-	-	مجازی در تفاوت
۰.۰۹۴	۱.۷۲۰	۵.۶۵۷	-	-	-	بازده در مجازی در تفاوت
۰.۰۴۱	۲.۰۷۵	۶.۴۰۶	-	-	-	متغیر اهرم
۰.۰۰۱	-۳.۴۴۷	-۰.۷۴۹	۰.۰۰۰	-۴.۰۱۶	-۰.۶۲۸	بازده در اهرم
۰.۰۰۵	۲.۸۴۹	۲.۷۶۸	۰.۱۵۶	۱.۴۴۴	۱.۴۱۱	مجازی در اهرم
۰.۰۶۷	-۱.۸۵۵	-۰.۴۸۴	۰.۰۰۱	-۳.۵۶۳	-۰.۳۵۱	بازده در مجازی در اهرم
۰.۰۰۰	-۴.۰۱۵	-۴.۱۸۷	۰.۱۲۳	-۱.۵۷۴	-۱.۷۸۵	متغیر اندازه
۰.۰۲۱	۲.۳۵۰	۰.۰۹۵	۰.۰۱۷	۲.۴۲۵	۰.۰۹۷	بازده در اندازه
۰.۰۹۰	۱.۷۳۱	۰.۰۶۰	۰.۱۴۴	۱.۴۶۴	۰.۲۱۷	مجازی در اندازه
۰.۰۹۰	۱.۷۱۳	۰.۴۵۲	۰.۰۹۰	۱.۷۳۰	۰.۰۶۲	بازده در مجازی در اندازه
۰.۰۰۸	۲.۶۹۰	۰.۵۷۱	۰.۱۱۸	۱.۵۶۸	۰.۲۳۲	
R^2 تعدیل شده: ۰.۴۴			R^2 تعدیل شده: ۰.۴۴۱			
آماره دوربین-واتسون: ۱.۷۴۹			آماره دوربین-واتسون: ۱.۸۱۸			
آماره F: ۴۴.۸۱۳			آماره F: ۳۲.۴۶۸			
سطح معنی داری: ۰.۰۰۰			سطح معنی داری: ۰.۰۰۰			

در الگوی تحقیق ضریب β_{11} ($D^* RET^* CV_{it}$) تأثیر شناسایی بموقع اخبار بد بسته به سطح تفاوت بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل کننده را نشان می‌دهد. این ضریب برای هر دو الگو کامل و کاهش یافته به ترتیب اعداد ۱۴.۴۸۳ و ۶.۴۰۶ به دست آمده است. از این رو این ضریب مثبت و به لحاظ آماری (۲.۵۹۴، ۲.۰۷۵) در سطح اطمینان مورد نظر تحقیق (بیش از ۹۵٪) معنی‌دار است. بنابراین هر چه سطح تفاوت بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل کننده بیشتر باشد، نسبت CV_{it} کوچکتر و محافظه‌کاری در سود مطابق با فرضیه دوم کمتر خواهد بود. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد این نتایج با هر دو توضیحات اهداف نظارتی و قرارداد برون سازمانی در رابطه با محافظه‌کاری در سود، مطابق و سازگار است.

نتیجه‌گیری

این تحقیق شواهدی را در خصوص رابطه بین ساختار مالکیت و محافظه‌کاری در سود برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران فراهم می‌آورد. نتیجه تحقیق این است که میزان محافظه‌کاری سود نشان داده شده توسط شرکت‌هایی که دارای مالک کنترل کننده هستند، به این دو مورد بستگی دارد: (۱) میزان مالکیت سهامدار کنترل کننده (۲) تفاوت بین حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل کننده به طوری که رابطه منفی بین میزان مالکیت سهامدار کنترل کننده و سطح محافظه‌کاری در سود یافت شد و نتیجه با کاهش سطح قراردادهای برون سازمانی سازگار است که به کاهش احتمال از بین رفتن عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون واحد تجاری و سهامداران اقلیت از طریق شناسایی بموقع زیانها منجر می‌شود. همچنین نتیجه با افزایش میزان مالکیت سهامدار کنترل کننده کاهش تقاضای محافظه‌کاری در سود برای اهداف نظارتی را به همراه دارد به این دلیل که به افزایش انگیزه‌های مدیریتی برای قرارداد اطلاعات در دسترس سهامداران عمده منجر می‌شود. از این رو، نتایج، توضیحات پیشگفته را در مورد با قراردادهای برون سازمانی و اهداف نظارتی درباره محافظه‌کاری در سود تأیید می‌کند. به علاوه، بین تفاوت حق رأی و حق جریان وجوه نقد سهامدار کنترل کننده با محافظه‌کاری در سود رابطه منفی به دست

آمد. زمانی که تفاوت حق رأی و حق جریان وجه نقد سهامدار کنترل کننده افزایش می‌یابد، شرکت با هزینه‌های زیادتر قراردادهای برون سازمانی روبه رو می‌شود. این افزایش در هزینه قراردادهای برون سازمانی، شرکتها را به سمت منابع مالی داخلی سوق می‌دهد که از طریق ساختار هر می برای تأمین مالی فرصتهای رشد واحد تجاری ایجاد شده است. هم-چنین این افزایش تفاوت و واگرایی، نگرانی سهامداران کنترل کننده را در خصوص کاهش تسلط سهامداری، تشدید می‌کند (دو و دای، ۲۰۰۵). از این رو، سهامداران کنترل کننده ممکن است برای جلوگیری از تأثیرات این کاهش بر منابع مالی داخلی برای تأمین مالی پروژه‌ها بیشتر اتکا کنند. برتر دانستن منابع مالی داخلی، سطح قراردادهای برون سازمانی را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود مشکل عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون سازمانی و سهامداران اقلیت، کمتر از طریق شناسایی بموقع زیان، برطرف شود و سبب افزایش انگیزه‌های مدیریتی برای قرار دادن اطلاعات در دسترس سهامدار کنترل کننده و حل مسئله عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران، بیشتر از طریق کانالهای ارتباطی خصوصی به جای افشای عمومی صورت پذیرد. بنابراین، این نتایج با تعاریف و توضیحات پیرامونی قراردادهای برون سازمانی و اهداف نظارتی برای محافظه‌کاری در سود سازگار است.

این تحقیق برخلاف مطالعات قبلی، که بر تفاوت‌های محافظه‌کاری در سود متمرکز بود (به عنوان نمونه، بال و همکاران، ۲۰۰۰؛ بال و همکاران، ۲۰۰۳؛ دارگنیدو و همکاران، ۲۰۰۷؛ رحمانی و غلامزاده، ۱۳۸۸؛ کردستانی و امیریگی، ۱۳۸۷) بر نقش محافظه‌کاری در تصمیمات قراردادی و راهبری شرکتها تمرکز داشت که شواهدی را در مورد اثر ویژگیهای راهبری مختص هر شرکت بر محافظه‌کاری در سود فراهم آورد. نتایج این تحقیق همانند نتایج تحقیقات لافوند (۲۰۰۵) و سانچز و همکاران (۲۰۰۹) رابطه بین مالکیت متمرکزتر و محافظه‌کاری کمتر در سود را به دلیل گرایش بیشتر برای رفع عدم تقارن اطلاعاتی اظهار می‌کند.

محدودیت‌های تحقیق

۱. با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، که سال مالی آنها به پایان اسفند ماه منتهی باشد، تسری نتایج به سایر شرکتهای باید با احتیاط انجام گیرد.
۲. در این تحقیق، تأثیرات نوع صنعت و نیز نوع سهامداران عمده در نظر گرفته نشده است. با توجه به احتمال متفاوت بودن شدت و ضعف روابط مشاهده شده در صنایع مختلف، تفاوت صنعت باید در تفسیر نتایج ملاحظه می‌شود.

پیشنهادها

الف) پیشنهادها مبتنی بر نتایج تحقیق:

به تحلیلگران و سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که با توجه به رابطه منفی بین سطح مالکیت و محافظه‌کاری در سود و پیامدهای مترتب از آن به کیفیت سود گزارش شده با عنایت به تمرکز مالکیت توجه کافی داشته باشند و محافظه‌کاری صورت گرفته را در تصمیم‌گیریهای خود لحاظ کنند.

ب) پیشنهادها برای تحقیقات آینده:

۱. مطالعه تأثیر نوع صنعت بر روابط مالکیت اصلی و محافظه‌کاری در سود شرکتهای
۲. بررسی تأثیرات سایر متغیرهای کنترل نظیر نوع صنعت، مالکیت مدیریتی و غیره
۳. بررسی روابط انواع مالکیت (همچون مالکیت عمومی، نهادی و غیره) بر میزان محافظه‌کاری در سود شرکتهای

یادداشتها

1. Cash Flow Rights
2. Basu
3. Watts
4. Ball and Shivakumar
5. Bushman
6. Sanchez
7. LaFond and Roychowdhur
8. Peek
9. LaFond
10. Dargenidou
11. Roychowdhury and Watts
12. LaFond and Watts
13. Mu Haw
14. Immediate Ownership
15. Largest Shareholders
16. Jung and Kwon
17. Chalmers and Godfrey
18. La Porta
19. Fan and Wong
20. Haw

منابع و مأخذ

- رحمانی، علی، و غلامزاده، مسعود (۱۳۸۸)، مالکیت عمومی در بازار سرمایه و محافظه کاری در گزارشگری مالی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴، ص ۱۸-۱
- رضازاده، جواد، و آزاد، عبدالله (۱۳۸۷)، رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، ص ۶۳-۸۰
- قائمی، محمدحسین؛ ودیعی، محمدحسین، و حاجی پور، میثم (۱۳۸۹)، تأثیر محافظه کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود، دانش حسابداری، سال اول، شماره ۲، ص ۷۳-۵۵
- کردستانی، غلامرضا؛ امیریگی، حبیب (۱۳۸۷)، محافظه کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود، MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه کاری، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۲، ص ۸۹ تا ۱۰۶.
- مرادزاده، مهدی؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ غلامی، رضا، و فرزانی، حجت اله، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵، ص ۹۸-۸۵
- مهرانی، کاوه، حلاج، محمد، و حسنی، عباس (۱۳۸۸)، بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره ۳، ص ۸۸-۱۰۷
- نصرالهی، زهرا؛ عارف منش، زهره. (۱۳۸۹)، بررسی رابطه مالکیت و کیفیت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، سال اول، شماره ۳، ص ۱۳۸-۱۱۷
- Ball, R. and Shivakumar, L, (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness, *Journal of accounting and Economics*, Vol. 39, No. 1, pp. 83-128.

- Ball, R., Kothari, S. and Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 29, pp. 1-51.
- Ball, R., Robin, A. and Wu, J.S. (2003), Incentives versus standards: properties of accounting income in four East Asian countries and implications for acceptance of IAS, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 36, pp. 235–270.
- Basu, S. (1997), The conservatism principle and the Asymmetric timeliness of earnings, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, No. 1.
- Bushman, R., Piotroski, J. and Smith, A. (2006) Capital allocation and timely accounting recognition of economic losses, *Working Paper*, University of North Carolina and University of Chicago.
- Chalmers, K. and Godfrey, J.M. (2004), Reputation costs: the impetus for voluntary derivative financial instrument reporting, *Accounting, Organizations and Society*, Vol.29, pp. 95-125.
- Dargenidou, C., McLeay, S. and Raonic, I., (2007), Ownership, investor protection and earnings expectations, *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol. 34, No. (1-2), pp. 247-268.
- Du, J. and Dai, Y. (2005), Ultimate corporate ownership structures and capital structures: evidence from East Asian economies, *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 13, No. 1, pp. 60-71.
- Fan, J.P.H. and Wong, T.J. (2002) Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, pp. 401-425.
- Haw, I., Hu, B., Hwang, L. and Wu, W. (2004).Ultimate ownership, income management, and legal and extra-legal institutions, *Journal of Accounting Research*, Vol. 42, pp. 423-462.
- Jung, K. and Kwon, S.Y. (2002) Ownership structure and earnings informativeness: Evidence from Korea, *International Journal of Accounting*, Vol. 37, pp. 301–325.
- La Porta, R., López-de-Silanes, F. and Shleifer, A. (1999) Corporate ownership around the world, *The Journal of Finance*, Vol. 54, pp. 471-517.
- LaFond, R. (2005) The influence of ownership structure on earnings conservatism and the informativeness of stock prices: an international comparison, *working paper*, sloan school of management.
- LaFond, R. and Roychowdhury, S., (2008), Managerial ownership and accounting conservatism, *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, No. 1.
- LaFond, R., and Watts, R., (2008), The Information Role of Conservatism, *The Accounting Review*, No. 83, No. 2.
- Mu Haw, Simon Ho, Tong, Y., Zhang, F. (2009).Complex ownership structures and accounting conservatism, *Working paper*, texas christian university.
- Peek E., Buijink, W. and Coppens, L. (2009) Accounting conservatism in the European Union: The influence of institutions and incentives, *Contemporary Accounting Research*, Forthcoming.
- Roychowdhury, S., and Watts, R. (2007). Asymmetric timeliness of earnings, market to book and conservatism in financial reporting, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 44, No. 1.

- Sanchez, C., Aleman, J., Martin, D., (2009). Ultimate Ownership and Earnings conservatism, *European Accounting Review*, Forthcoming
- Watts, R.(2003). Conservatism in accounting part I and II: explanations and implications, *accounting horizons*, Vol. 17, No. 3.